



فهرست مطالب

۳	مقدمه
۴	حد همسایگی
۶	قول اول
۷	قول دوم
۷	قول سوم
۸	نتیجه گیری
۱۰	حقوق همسایه
۲۳	اهمیت همسایه داری در آیات و روایات
۲۸	شیوه معصومین و بزرگان در برخورد با همسایگان
۳۰	شیوه رسول خدا در برخورد با همسایه
۳۲	الجار ثم الدار
۳۲	سیره امام سجاد در برخورد با همسایه
۳۳	روش بزرگان
۳۳	الف) مجرم شناخته شدن بخاطر همسایه
۳۴	ب) از خود گذشتگی بخاطر همسایه
۳۵	ج) اگر با خیر بودی و اقدام نمی کردی مسلمان نبودی
۳۸	آثار همسایه داری نیکو و بی توجهی به همسایگان
۳۹	آثار نیکویی به همسایه
۴۱	آثار بی توجهی به همسایه
۴۳	بی توجهی به دلیل گرفتاری حضرت یوسف
۴۵	نتیجه گیری
۴۶	منابع و مآخذ

مقدمه

عصری که مادر آن زندگی می‌کنیم، عصری است که بشر هر روز راز جدیدی از این جهان را کشف می‌کند و روزی نمی‌گذرد که انسان در آن روز کشف جدیدی نداشته باشد و پیشرفتی را در زمینه‌های مختلف نداشته باشد، زندگی‌ها در اثر این پیشرفتها روز به روز به ظاهر آسان‌تر شده است و کار به جایی رسیده است که انسان با فشردن دکمه‌ای کارهای سنگین و غیر ممکن گذشته را انجام می‌دهد، ولی این همه پیشرفت در علم و صنعت و تکنولوژی انسانها در بعضی از موارد زندگی نه تنها پیشرف نکرده اند بلکه آداب و رسوم گذشته نیکوی خود را هم فراموش کرده اند.

یکی از آن آداب و رسوم نیکو که در گذشته بطور بیشتری محسوس بود، همسایه داری نیکو است که امروزه متأسفانه در اثر همین پیشرفتها کم‌کم رو به فراموشی است.

از آنجایی که علت برخی از بی‌توجهی‌های انسان نسبت به وظایف بی‌اطلاعی او نسبت به آن وظیفه است، ما در این نوشته کوتاه در صد آنیم تا حد همسایگی و وظایف همسایگان نسبت به هم و سیره و روش بزرگان در برخورد با همسایه و آثار همسایه داری نیکو و بی‌توجهی به ایشان را بررسی کنیم لذا مطالب را در پنج بخش به صورت زیر جمع‌آوری کردیم.

۱- حد همسایگی

۲- حقوق همسایه

۳- اهمیت همسایه داری در آیات و روایات

۴- شیوه معصومین در برخورد با همسایه

۵- آثار همسایه داری نیکو و بی‌توجهی به همسایگان

فصل اول :

حد همسایگی

حد همسایگی

هر فردی وقتی روایات و آیات مربوط به حقوق همسایه را مطالعه می کند و یا از کسی می شنود ممکن است در ذهن او این سؤال پیش آید که حد و مرز همسایگی تا کجاست و به چه کسانی همسایه یک خانه می گویند؟

غالب افراد اینگونه فکر می کنند که همسایه فقط خانه های به هم چسبیده و سایه به سایه را می گویند و خانه های دیگر را همسایه نمی دانند .

در این بخش می خواهیم با رجوع به روایات معصومین (علیهم السلام)، با حد و مرز همسایگی آشنا شویم و بدانیم که وقتی سخن از احترام و اکرام به همسایه به میان می آید و بی توجهی به ایشان تا حد ایمان نیاوردن به خدا و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شمرده می شود^۱، مراد از این همسایه کیست و تا چند خانه همسایه محسوب می شوند؟

علما و فقهای امامیه در ارتباط با حدود همسایگی نظرات متفاوتی دارند که ما در این قسمت برای بررسی بهتر این موضوع، اقوال موجود در این زمینه را بیان می کنیم .

^۱ - قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) ما آمنَ بی من بات شَبَعاناً و جاده المسلم جاع. (هر کس سیر بخوابد در حالیکه همسایه ی مسلمانش گرسنه باشد به من ایمان نیاورده است)

قول اول:

چنانکه در اصل معنای همسایه به عرف رجوع می شود ، در حد آن هم، مرجع عرف است. صاحب شرایع در کتاب وقف می نویسد: « لو وَقَفَ عَلَى الْجِيرَانِ رَجَعَ عَلَى الْعَرْفِ » اگر کسی وقف بر همسایگان کرد باید در حد آن به عرف رجوع شود، این قول منسوب به جمع دیگر از فقها نیز هست مثل صاحب قواعد و ایضاح و دلیل بر این قول آن است که در هر لفظی که استعمال می شود برای آنکه بدانیم معنای حقیقی آن چیست، به معنایی که زودتر از معانی دیگر به ذهن می آید رجوع می کنیم که در اصطلاح به آن تبادر می گویند.

تباور در اثر کثرت استعمال بدون قرینه بوجود می آید یعنی یک لفظ، در حد زیادی در یک معنا استعمال می شود تا اینکه وقتی آن لفظ را به کار می برند بدون اینکه قرینه ای به کار ببرند آن معنای استعمال شده به ذهن می آید. بنابراین در اینجا هم به معنای عرفی و استعمال عرف نگاه می کنیم و مقداری که عرف به آن همسایه بگوید، همان اندازه همسایه است. ولی اشکالی که بر این قول می توان وارد کرد این است که این روش در صورتی مورد قبول خواهد بود که از ناحیه شرع مقدس، حد خاصی برای آن بیان نشده باشد.

پس نتیجه می گیریم اگر شارع مقدس در این زمینه حد خاصی را مشخص نکرده باشد به عرف نگاه می کنیم ولی با تأمل حد روایات می بینیم که شارع مقدس در روایات فراوانی حد و مرز مشخصی را برای همسایگی مطرح کرده است بنابراین این قول معتبر نخواهد بود.

قول دوم:

بعضی گفته اند: حد همسایگی چهل ذراع است (چهل ذراع حدود بیست متر است) مرحوم شیخ طوسی در کتاب خلاف (در کتاب وصیت) می فرماید: « اگر کسی وصیت کرد $\frac{1}{3}$ مالش را به همسایگانش بدهند، باید تقسیم شود بین کسانی که بین آن ها و بین خانه این شخص چهل ذراع فاصله است. » و دلیل آن اجماع و روایات است. ابن ادریس در کتاب وقف، در مورد وقف بر همسایه فرموده اند: « اگر کسی وقف بر همسایه کند، باید صرف کسانی که پهلوئی خانه او هستند، تا چهل ذراع از چهار طرف شود؛ بنابراین می توان گفت، روایات و یا روایاتی در مورد قول « چهل ذراع» بوده و بدست ما نرسیده است. ولی همین امر موجب ضعف این مورد می شود، ولی عمل مشهور این ضعف را جبران می کند و وثوق خبری حاصل می شود.

قول سوم:

بعضی از فقها حد همسایگی را تا چهل خانه دانسته اند و دلیل آن ها هم بعضی از روایات است که از آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- موثق جمیل ابن دراج، عن ابی جعفر (علیه السلام) قال: « حد الجوار اربعون داراً من کل جانب من بین یدیه و من خلفه و عن یمینہ و عن شمالہ »

حد همسایگی چهل خانه از هر طرف است از پس و پیش و راست و چپ.

۲- صحیح معاویه بن عمار: شیخ صدوق در معانی الاخبار نقل کرده است: از امام صادق علیه السلام سؤال شد:

ما حد الجار؟ قال: « اربعین داراً من کل جانب » حد همسایگی چهل خانه است از تمام اطراف.

۳- در کتاب خصال مرحوم صدوق (ره) (باب الاربعین) عقبه بن خالد از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که او از پدرانش نقل کرده اند از حضرت علی علیه السلام که فرمود: « حریم المسجد اربعون ذراعاً و الجوار اربعون داراً من اربع جوانبها » حریم مسجد چهل ذراع است و همسایگی چهل خانه است از چهار طرف خانه شخصی.

۴- ابن قدامه روایتی را از عایشه نقل کرده: إِنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه و آله و سلم) سئل عن حد الجوار: فقال: « الی اربعین داراً » از رسول خدا سؤال شد از حد همسایه، فرمود: تا چهل خانه.

نتیجه گیری:

هرچند نظرات و روایات در زمینه حد همسایگی متفاوت است و بعضی از آن ها حد همسایگی را چهل خانه و بعضی از آن ها چهل ذراع می دانند، ولی راه جمع کردن روایات این است که بگوئیم: روایات دال بر چهل ذراع در مواردی مثل وقف بر همسایه یا نذر و یا وصیت، حد شرعی است و روایات دال بر چهل خانه، جنبه اخلاقی دارد و در مراعات آداب و رسوم باید آن را روایات را ملاحظه کرد. می توان گفت در عرف هم دو نوع همسایگی مطرح است: یکی در اموری که مربوط به مادیات است و دیگری در اموری که مربوط به اخلاقیات است؛ و به عبارت دیگر می توان گفت عرف دو نوع همسایگی دارد: همسایگی دور و همسایگی نزدیک و بر هر یک آثاری مترتب است و شارع مقدس حد نزدیکی را چهل ذراع و حدود را چهل خانه قرار داده است.

با این بیان می توان گفت افرادی که در برخی شهرهای کوچک و مخصوصاً دهکده ها که

کوچکترند

زندگی می کنند، نسبت به تمام افراد شهر یا روستایی که در آن زندگی می کنند مسئولند و نسبت به هم همسایه محسوب می شوند، زیرا اگر مثلاً خانه ای را در مرکز قرار دهیم و از هر طرف چهل خانه را همسایه او بدانیم تمام افراد یک روستا یا شهر کوچک با هم همسایه خواهند شد و رعایت حق همسایگی بر آن ها واجب است.

فصل دوم :

حقوق همسایه

حقوق همسایه

جامعه شناسان پس از مطالعات فراوان، به این حقیقت اعتراف کرده اند که بشر دارای طبیعت اجتماعی بوده و بدون اجتماع نمی تواند زندگی کند.

اگر بخواهیم تعریف ساده ای از اجتماع داشته باشیم و با همان فکر ساده اجتماع را معنا کنیم، خواهیم گفت که اجتماع عبارت است از : «مجموعه افراد با پیوندها و نسبت های موجود میان آن ها، یعنی افرادی که از لحاظ افکار، روحیات، رسوم و عادت، شبیه به هم و از جهت معاشرت و آمیزش نزدیک به هم بوده و زندگی مشترکی داشته باشند».

بشر طبق غریزه فطری، و احساسات درونی خود، به زندگی اجتماعی تن در می دهد، زیرا می بیند که به تنهایی قادر به حل مشکلات زندگی و رسیدن به کمال نیست و یا حداقل، همکاری با افراد آسانترین راه، برای رسیدن به این هدف است و چون بهره هر کس از سرمایه های روحی و جسمی محدود است و از عهده هر کاری بر نمی آید، به ناچار باید از سرمایه های فکری و بدنی که در اختیار دیگران است، کمک بگیرد.

از همین جاست که در جوامع بشری اجتماعات کوچک و بزرگ تشکیل شده است که یکی از

مؤثرترین و

اصلی ترین آن اجتماعات، اجتماع همسایگان است.

اصول چنین اجتماعاتی را می توان در سه جمله زیر خلاصه کرد:

(۱) استحکام روابط افراد با یکدیگر.

(۲) ایجاد شرایط لازم برای پرورش افراد و رسیدن به کمالات فردی.

(۳) رعایت کامل حقوق افراد.

با کمی دقت و توجه درمی یابیم که اگر گزینه سوم این اصول، عملی شود، آن دو گزینه دیگر

نیز خود به خود بوجود خواهد آمد و در واقع گزینه سوم مقدمه برای آن گزینه دیگر است.

در این بخش با توجه به اهمیت این موضوع با رجوع به روایات معصومین (علیهم السلام) حقوق متقابل

همسایگان نسبت به هم را مورد بررسی قرار می دهیم تا ان شاء الله با رعایت حقوق، روابط همسایگان

با هم مستحکم شده و شرایط لازم برای رشد همسایگان، رسیدن آن ها به کمالات فراهم شود.

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): الجيران ثلاثة: جارٌ له حق واحد و جارٌ له ثلاثة

حقوق و جار له حقان؛ فالجار الذی له ثلاثة حقوق؛ الجار المسلم ذو الرحم؛ فله حق الجوار و حق الاسلام

و حق الرحم، و اما الذی له حقان؛ فالجار المسلم، له حق الجوار و حق الاسلام و اما الذی له حق واحد؛

فالجار المشرك.^۱

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: همسایه ها سه دسته اند: یک دسته

همسایگانی که بر همسایه یک حق دارند، طایفه ای دیگر از همسایه که بر همسایه سه حق دارد، کسی

است که حق همسایگی و حق قوم و خویشی و حق مسلمانی و هم کیشی دارد، اما آن که دو حق دارد،

^۱ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۸ ص ۴۲۴

آن است که هم مسلمان است و هم همسایه (یعنی هم حق اسلام دارد هم حق همسایگی) اما آن که یک حق دارد، همسایه مشرک و ملحد است.

در حدیث دیگری پیامبر گرامی اسلام در ارتباط با حقوق همسایگان نسبت به یکدیگر اینگونه می فرماید: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فی حقوق الجار: إن استغاثک أغثته و إن استغرضک اقرضته، و إن افتقر عُدتَ علیه، و إن اصابته مصیبه عزَّیته، و إن اصابه خیر هَنَّته، و إن مَرَضَ عُدته، و إن مات اتَّبعتَ جنازته، و لا تَسْطِلُ علیه بالبنا فتحجَّبَ عنه الريح الَّا باذنه، فاذا الشتریت فاکهه فاهد له، فان لم تفعل فادخلها سراً، و لا تُخرج بها وُلْدک تعیظُ بها وُلْدَه، و لا تُؤْذِه بریحِ قَدْرک الَّا أن تعرف له منها.^۱

پیامبر گرامی اسلام فرمودند حق همسایه در موارد زیر خلاصه می شود:

(۱) اگر از تو کمک خواست کمکش کنی.

(۲) اگر از تو قرض خواست به او قرض بدهی.

(۳) اگر نیازمند شد، نیازش را برطرف سازی.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: « من منع الماعون من جاره إن احتاج الیه مَنَعَهُ اللهُ فَضْلُهُ یوم القیامه و وکَلَهُ الی نفسیه و من وکَلَهُ الی نفسیه هَلک و لا یقبل الله عزوجل له عذراً » کسی که مایحتاج زندگی را از همسایه، در صورتی که به آن نیاز دارد منع کند، خداوند در قیامت فضلش را از او دریغ نماید و وی را به خود واگذارد و هرکس را خدا به خودش واگذارد هلاک می شود و حضرت حق از او عذری را

^۱ - میزان الحکمه ص ۶۴۵ محمد محمدی ری شهری.

نمی پذیرد.^۱

در روایت دیگری از رسول گرامی اسلام اینگونه روایت شده که - قیل للنبی (صلی الله علیه و آله و سلم) یا نبی الله أفی المال حق سوی الزکاء؟ قال نعم برالرحم اذا ادبرت وصله الجار المسلم، از پیامبر گرامی اسلام سؤال شد که آیا در مال انسان بجز زکات حق دیگری وجود دارد؟ حضرت فرمودند: بله،

نیکی کردن به خویشان هنگامی که آن ها کمک بخواهند و کمک کردن به همسایگان.

(۴) اگر مصیبتی دید او را دل داری دهی.

(۵) اگر خیر و خوبی به او رسید به او تبریک بگویی.

(۶) اگر بیمار شد به عیادتش بروی.

پیامبر گرامی اسلام در این باره در حدیث دیگری می فرمایند: « من كان جاره مريضاً فترك

عیادته استخفافاً بحقه فقد تعلق بغضن منه » کسی که همسایه مریض اش را محض سبک شمردن حق

او ملاقات نکند از شاخه های درخت زقوم آویزانند.^۲

امام زین العابدین علیه السلام نیز در دعای صحیفه سجادیه که در آن برای همسایگان دعا می

فرمایند: در فراز دوم آن اینگونه می فرمایند: اللهم ... وفقهم لعیادة مريضهم، خدایا ایشان (همسایگان) را

برای عیادت بیماران موفق فرما.

(۷) وقتی مرد در تشیع جنازه اش شرکت کنی

^۱ - دیار عاشقان ص ۵۵۴، حسین انصاریان

^۲ - مستدرک سفینه البحار ج ۲ ص ۱۴۹

در حدیث دیگری حضرت می فرماید: « من مات جاره فترک تشیع جنازتها تهاوناً فقد تعلقَ بغصن منه^۱ » آن که بخاطر سبک انگاشتن جنازه همسایه به تشییش نرود، از آویزه های درخت زقوم است.

۸) خانه ات را بلندتر از خانه او نسازی تا جلوی جریان هوا را بر او بگیری مگر آن که خودش اجازه دهد.
 ۹) هرگاه میوه ای خریدی برای او تعارف بفرستی و اگر این کار را نکردی مخفیانه میوه را به خانه ببر، فرزندت را همراه میوه به بیرون میار که بچه او با دیدن آن در دست او ناراحت شود و با بوی دود دیگت او را ناراحت مکن مگر مقداری از غذا را برای او بفرستی.

ابوذر غفاری می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم توصیه فرمود که اگر غذایی طبخ کردی آن را چنان افزایش ده که بتوانی همسایه ات را از آن برخوردار سازی .

مردی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) را در خواب دید و ایشان به او فرمود: برو به فلان مجوسی بگو، آن دعا مستجاب شد. از خواب بیدار شد ولی از رفتن امتناع ورزید، مجوسی مرد ثروتمند بود، مرتبه دوم باز در خواب دید که همان سخن را به او فرمود، باز هم نرفت. مرتبه سوم در خواب فرمود: برو به آن مرد مجوسی بگو خداوند آن دعا را مستجاب کرد، فردای آن شب پیش او رفت و گفت: من فرستاده رسول خدا و پیک او هستم به من فرموده به تو بگویم آن دعا مستجاب شده. مجوسی گفت: مرا می شناسی، دین و مسلک مرا می دانی؟

جواب داد: بلی.

گفت من منکر دین اسلام و پیغمبری حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده ام تا

^۱ - مستدرک سفینه البحار ج ۲ ص ۱۴۹

همین ساعت ولی الان می گویم «اشهد أن لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد أن محمداً عبده و رسوله»

پس از آن از تمام خانواده خود خواست و گفت تا کنون همراه بوده ام، ولی اینک هدایت شده و نجات یافتم.

هر کس از بستگان من مسلمان شود، آنچه از اموالم در دست اوست همانطور در اختیارش باشد و هر که امتناع ورزد دست از اموال من بشوید. تمام بستگان او ایمان آوردند، دختری داشت که او را به پسر خود تزویج کرده بود میان آن ها جدایی انداخت، به من گفت می دانی آن دعا چه بود؟ گفتم به خدا سوگند من هم اکنون می خواستم بپرسم. مجوسی تازه مسلمان شده گفت: هنگامی که دخترم را به پسرم تزویج کردم، ولیمه مفصلی تهیه نمودم و تمام دوستان را به آن دعوت کردم، در همسایگی ما خانواده شریفی از سادات علوی بودند که بضاعت نداشتند. به غلامانم دستور دادم حصیری در وسط خانه پهن کردند و من بر روی آن نشستم و در آن میان شنیدم صدای یکی از دختران علویه ای که همسایه ما بودند بلند شد و به مادرش اینگونه گفت: مادر جان بوی خوش غذای این مجوسی، ما را ناراحت کرده، همین که این سخن را شنیدم بدون درنگ حرکت کرده و مقداری غذا و لباس و پول برای همه آن ها فرستادم، چشم فرزندان علوی که به آن غذا و لباس افتاد بسیار خوشحال گردیدند، همان دخترک به دیگران گفت: قسم به خدا به این غذا دست دراز نمی کنم مگر اینکه اول صاحبش را دعا بنمایم. آن گاه دست های خود را بلند نمود و گفت:

«خداوندا این مرد را با جدمان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) محشور گردان» و بقیه آمین

گفتند.^۱

برای همسایگان حقوق دیگری نیز در روایات ذکر شده است که در ادامه آن ها را ذکر می کنیم.

(۱۰) تفقد و دلجویی:

قال رسول الله: « مِنْ حُسْنِ الْجَوَارِ تَفَقُّدُ الْجَارِ^۲ » از نشانه های نیکو همسایه داری کردن و دلجویی از همسایه است.

(۱۱) آزار نرساندن:

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: « لا يدخل الجنة عبد لا يأمن جاره^۳ بواقفه^۴ » کسی که همسایه اش از شرش در امان نباشد به بهشت نمی رود.

قال الامام الرضا عليه السلام: « ليس منّا من لم يأمن جاره بواقفه^۴ » از ما نیست کسی که همسایه اش از شر او در امان نباشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره آیه « يوم ينفع في الصور فتأتون افواجا^۵ » روزی که در صور دمیده می شود و شما فوج فوج وارد محشر می شوید، می فرماید: ده گروه از امت من به صورت پراکنده و جدا از یکدیگر و جدا از مسلمانان دیگر محشر می شوند، که یکی از آن گروه ها کسانی هستند که « مقطعه^۶ ایدیهم و ارجلهم^۷ » با دست ها و پاهای بریده محشر می شوند و از آن ها گروهی هستند

^۱ - رساله حقوق امام سجاد ص ۴۰۲

^۲ - سفینه البحار جلد اول ص ۱۹۰، شیخ عباس قمی

^۳ - سفینه البحار جلد اول ص ۱۹۰، شیخ عباس قمی

^۴ - سفینه البحار جلد اول ص ۱۹۰، شیخ عباس قمی

که همسایه را آزار می دهند.^۱

(۱۲) نگاه نکردن به خانه همسایه:

حماد بن عیسی از امام صادق علیه السلام روایت می کند که زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و

آله و سلم در یکی از حجرات خود بودند، در این در هنگام مردی از شکاف در خانه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نظر کرد، در دست رسول اکرم چوبی بود، فرمود: « اگر به تو نزدیک بودم، با این چوب

چشمت را می شکافتم^۲ ». «

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: من اطلع علی بیت جارِهِ فرأی عورةَ رَجُلٍ أو شَعْرَ امرأةٍ

أو شیئاً من جسدِها، علی الله أن یدخله النار و لا یبالی. رسول اکرم فرمود: هر کس که به خانه همسایه اش نگاه کند، عورت مردی یا موی زنی یا قسمتی از بدن او را ببیند بر خداوند است که او را به آتش ببرد و باکی نیست.^۳

امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس سر کند در منزل مؤمنی، دو چشم او برای آن مؤمن در آن حال، مباح است (یعنی اگر زد و او را کور کرد، دیه ندارد) و هر کس در خانه مؤمنی بدون او داخل شود، خونسش بر این مؤمن در آن حال مباح است.^۴

یکی از وزرای معتصم برای خود قصر بلندی ساخته بود مشرف به خانه های اطراف و پیوسته در آن

۱ - سفینه البحار جلد اول باب جور ص ۱۹۰، شیخ عباس قمی

۲ - رساله حقوق امام سجاد، ص ۴۰۴، علی محمد حیدری نراقی

۳ - رساله حقوق امام سجاد، ص ۴۰۴، علی محمد حیدری نراقی

۴ - رساله حقوق امام سجاد، ص ۴۰۴، علی محمد حیدری نراقی

قصر می نشست و از در و پنجره بر زنان و دختران همسایه تماشا می کرد. اتفاقاً یک روز چشمش به دختر یکی از همسایگان افتاد که بسیار زیبا و خوش اندام و قامتی فریبنده داشت، اسیر عشق و پایبند محبت او شد از آن روز در جستجوی نام و نشان دخترک افتاد، پدرش را که مردی تاجر بود شناخت و به عنوان خواستگاری پیش او فرستاد تاجر قبول نکرد و پوزش خواست که ما را شایستگی نیست با مثل وزیر وصلت نمائیم، وزیر چنان در آتش عشق می سوخت که برای رسیدن به وصال دختر از هیچ پیش آمدی هراس نداشت این راز را به یکی از نزدیکان خود گفت، از او چاره ای خواست، آن مرد پاسخ داد: اگر هزار دینار خرج کنی؛ من تو را کامیاب می کنم، وزیر گفت: ای کاش با این مقدار به مقصود برسم، من اگر با دویست هزار دینار ممکن باشد از صرف کردن آن باک ندارم.»

زر را تسلیم کرد. آن مرد هزار دینار را پیش ده نفر که شهادت آن ها در نزد قاضی پذیرفته بود آورد، جریان عشق سوزان وزیر را برای آن ها تشریح نمود، داستان را چنان جلوه داد که اگر این کار انجام نشود جان وزیر در خطر است، به هر یک از ده نفر صد دینار پرداخت و تقاضا کرد پیش قاضی شهادت دهند بر اجراء عقد دختر تاجر برای وزیر، (آن ده مرد) پذیرفتند و گواهی به ازدواج وزیر با دختر تاجر، به او گفتند علت شهادت، این است که با این کار جان او را از مرگ حتمی نجات داده و باعث سربلندی دختر و رسیدن پدر او به مقام شامخ می شویم، قطعاً بعد از اطلاع تاجر با این مهر زیاد راضی خواهد شد، پس از نجات مراسم لازم، وزیر شخصی را پیش پدر دختر فرستاد و گفت: زخم را از چه در خانه نگه داشته اید، او را به خانه خودم بفرستید تاجر وقتی از جریان خبر یافت با وزیر پیش قاضی رفتند و قاضی حکم کرد مهر دختر را به پدرش بپردازد و دختر را ببرد. تاجر چنان سرگردان و حیران شد که شبیه دیوانگان گردید،

هر چه خواست خودش را به معتصم برساند، وسیله فراهم نگشت. با یکی از دوستان خود مشورت نمود، او گفت: فقط می توانی لباس مخصوص کارکنان داخل قصر معتصم را بپوشی و بدین وسیله داخل شوی، همین کار را کرد و خود را به حضور معتصم رساند و داستان را پنهانی به معتصم گفت. معتصم دستور داد وزیر را با شهود حاضر کردند. وزیر گمان کرد با گفتن اصل قضیه مورد بخشش واقع می شود چون مهر زیادی برای دختر تعیین کرده بود، شهود نیز همین فکر را کردند. بعد از کشف نیرنگ آن ها و اقرارشان، معتصم دستور داد هر یک از گواهان را کنار دارالاماره، بدار آویزند و وزیر را در میان پوست گاو تازه کشته شده بگذارند و با عمودی آهنین آنقدر به او بزنند تا گوشت و پوست به هم مخلوط شود و به تاجر دستور داد دختر خود را به خانه ببرد و تمام مهری که وزیر برای او تعیین کرده بود را متصرف شود و کسی حق اعتراض به او را ندارد.^۱

۱۳) تحمل آزار همسایه

حسن الجواری و خوب همسایه داری کردن تنها به این نیست که اذیت و رنجی به او نرسانیم بلکه گاهی تحمل سختی ها و نامالایماتی که او برایمان پیش می آورد، مصداق این حسن الجواری است و اگر بخواهیم روابط از هم نگسلد باید صبور و با تحمل بوده و گرنه پاسخ بدی را با بدی دادن و در زشتی ها مقابله به مثل کردن نشانه ی حقارت روح است و به علاوه اینکه این کار از همه بر می آید و گذشت و تحمل است که اراده و ایمان قوی و بزرگواری می طلبد. امام موسی کاظم علیه السلام نیز در این زمینه می فرماید: « لیس حسن الجوار کفّ الا ذی ولكن حسن الجوار صبرک علی الاذی » حسن جوار و همسایه خوب بودن تنها آزار نرساندن نیست بلکه آن است که بر اذیت همسایه ات صبور و بردبار باشی.^۲

^۱ - پند تاریخ ج ۲ ص ۳۷، موسی خسروی

^۲ - محمد ری شهری، میزان الحکمه ج ۲ باب الجار ص ۶۴۳

و امیر المؤمنین نیز می فرماید: « هر کس ناروایی همسایگان را تحمل کند، نیکی را تکمیل نموده است.^۱ »

۱۴) نیکی کردن: قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: إن احببتم أن يحبكم الله و رسوله فأدوا اذا اتتمتم و اصدقوا اذ احدثتم و احسنوا جوار من جاوركم»

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: اگر می خواهید خداوند و پیامبرش شما را دوست بدارند (سه کار انجام دهید) زمانی که امامت به شما می سپارند وفا کنید و وقتی سخن می گوئید، راست بگوئید و به همسایگان نیکی کنید.

۱۵- در غیا بش مدافعتش بودن : قال الامام زين العابدين أما حق جارك فحفظه غائبا و اكرامه شاهدا^۲
 ۱۶- دعا کردن برای او : در این زمینه دعایی از امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه وارد شده است که به صورت زیر است

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ تَوَلَّنِي فِي جِيرَانِي وَ مَوَالِيِّ الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَالْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَايَتِكَ، وَ وَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ آدَبِكَ فِي إِرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِيهِمْ، وَ عِيَادَةِ مَرِيضِيهِمْ، وَ هِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِيهِمْ، وَ مُنَاصَحَةِ مُسْتَشِيرِيهِمْ، وَ تَعَهُّدِ قَادِمِيهِمْ، وَ كِتْمَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَ سِتْرِ عَوْرَاتِهِمْ، وَ نَصْرَةِ مَظْلُومِيهِمْ وَ حُسْنِ مُوَسَّاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ، وَالْعَوْدِ عَلَيْهِمْ بِالْجِدَّةِ وَالْإِفْضَالِ، وَ إِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ. وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْزَى بِالْإِحْسَانِ مُسِيئَتِهِمْ، وَأَعْرِضْ بِالتَّجَاوُزِ عَنِ ظَالِمِيهِمْ، وَاسْتَعْمِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَّةِهِمْ، وَ اتَّوَلَّى بِالْبِرِّ عَامَّتَهُمْ، وَأَغْضُ بَصْرِي عَنْهُمْ عِقْفَةً، وَ أَلِينُ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضَعًا، وَ أَرِقُّ عَلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً، وَ أَسِرُّ لَهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً، وَ أَحِبُّ

بِقَاءِ النُّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نُصْحًا، وَ أُوجِبُ لَهُمْ مَا أُوجِبُ لِحَامَتِي، وَ أَرْعَى لَهُمْ مَا أَرْعَى لِخَاصَّتِي .اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالِهِ، وَارْزُقْنِي مِثْلَ ذَلِكَ مِنْهُمْ، وَاجْعَلْ لِي أَوْقَى الْحُطُوطِ فِيمَا عِنْدَهُمْ، وَ زِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي، وَ مَعْرِفَةً بِفَضْلِي
حَتَّى يَسْعُدُوا بِي وَاسْعَدَ بِهِمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».

بارخدایا بر محمد و آلش درود فرست، و مرا در رابطه با رعایت حق همسایگان و دوستانم که به حق ما
معرفت دارند، و با دشمنان ما در ستیزند به بهترین صورت یاری فرما، و ایشان را برای بپا داشتن سنت خود، و
به کار گرفتن آداب نیکویت در ارفاق به ضعیفان، و برآوردن حاجت آنان، و عیادت بیماران، و هدایت راهجویان،
و خیرخواهی نسبت به مشورت کنندگان، و دیدار نمودن از مسافران برگشته به وطن، و پنهان داشتن راز مردم،
و پوشاندن عیوب خلق خدا، و یاری دادن به ستمدیدگان، و حسن مواسات در مایحتاج زندگی با آنان، و دریغ
نورزیدن از پیشکش و بخشش فراوان، و عطا کردن پیش از درخواست موفق فرما. بارخدایا مرا توفیق ده که
بدکارشان را به احسان پاداش دهم، و از ستمکارشان با گذشت و بخشش صرف نظر کنم، و نسبت به همه آنان
نیک‌گمان باشم، و با همه آنان به نیکی رفتار کنم، و چشم از خطای آنان عفیانه بپوشم، و از باب فروتنی با
ایشان نرم باشم، و بر بلادیدگان آنان به آئین رحمت رقت آورم، و در نبودشان دوستی و محبت خود را بر آنان
ظاهر سازم، و از سراخلاص دلبسته دوام نعمت آنان باشم، و هر چه را برای خویشان خود لازم می‌دانم در حق
آنان لازم بدانم، و آنچه را برای مخصوصان خود رعایت می‌کنم برای آنان نیز رعایت نمایم. خداوندا بر محمد و
آل او درود فرست، و مرا نیز از طرف آنان رفتاری بدین صورت نصیب فرما، و سهمی کامل‌تر از آنچه از خوبیها
نزد آنان است برای من قرار ده، و بصیرت آنان را در حق من و معرفتشان را به فضل من زیاد کن، تا به وسیله
من اهل سعادت شوند، و من نیز به سبب آنان نیکبخت گردم، خداوندا دعایم را مستجاب گردان.^۱

فصل سوم :

همسایه داری در آیات و روایات

اهمیت همسایه داری در آیات و روایات

قرآن کریم نسخه شفا بخش برای تمام زندگی بشر است^۱ و بشر اگر به این نسخه که از طرف خداوند برای امتحان انسان پیچیده شده، عمل کند به سعادت خواهد رسید.

معمولاً در قرآن کریم، بسیاری از مطالب به صورت کلی آمده است و اگر در جایی اینگونه نباشد و به صورت خاص به آن اشاره شده باشد، بیانگر اهمیت ویژه آن مطلب است؛ از جمله مواردی که به صورت خاص در آیات قرآن کریم مورد اهتمام و توصیه قرار گرفته است، مسأله رعایت حقوق همسایگان است.

در سوره مبارکه نساء وقتی قرآن دستورالعمل های اساسی را برای مؤمنان ذکر می کند، یکی از آن دستورهای اساسی را در کنار مسأله توحید و نیکی به پدر و مادر و ارحام و یتیمان و مسکینان، مسأله احسان به همسایه ذکر می فرماید.

«واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئاً وبالوالدين احسانا و بذی القربی و الیتامی و المساکین و الجار ذی القربی و الجار الجنب و الصاحب و ابن السبیل و ماملکت ایمانکم، إن الله لایحب من کان مختالاً فخوراً»

۲

در این آیه شریفه، ابتدا مسأله توحید و بعد فرمان نیکی به پدر و مادر و ارحام و سپس یتیمان و افراد ناتوان و مسکین مطرح و بعد فرمان احسان به همسایگان دور و نزدیک، صادر شده است که تعبیر اول

^۱ - و نزل من القرآن ما هو شفا و رحمه للمؤمنین» (اسراء/ ۸۲)، و قرآن را نازل می کنیم که شفاء و رحمت برای مؤمنان است.

^۲ - سوره نساء/ ۳۶

مربوط به همسایگان نزدیک و مجاور است و تعبیر دوم برای همسایگان دورتر است.

در این آیه امر به احسان شده است که امر به احسان و نیکی، مرتبه ای بالاتر از عدالت و قانونمندی است جود و فضل و احسان در چهارچوب قانون و عدالت نمی گنجند، چرا که اگر قانونی شود، دیگر جود و احسان نخواهد بود، وقتی انسان محقق می شود که انسان هر آنچه که می تواند در حق دیگری، نیکی و خدمت کند، بنابراین گاه خداوند به انسان دستور می دهد که نسبت به گروهی با عدالت رفتار کند، عدالت امر قانونی است، چارچوب دارد و قوانین آن کاملاً مشخص است، اگر فرد در محدوده این قانون عمل کند، عدالت را محقق کرده است. ولی خداوند در اینجا، فرمان به احسان می دهد؛ احسان یعنی انسان هر چه در توان دارد به دیگران نیکی و خدمت کند، این احسان است که حد و مرزی ندارد.^۱

آیه شریفه دیگری که انسان ها را دعوت به نیکی و یاری رساندن به همسایگان می کند، آیه هفتم از سوره مبارکه ماعون است.

در این سوره، نخست پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را مورد خطاب قرار داده و اثرات شوم انکار روز جزا را در اعمال منکران باز گو می کند، سپس بی آنکه منتظر پاسخ بماند می فرماید: « او همان کسی است که یتیم را با خشونت می راند»^۲ « و دیگران را به اطعام یتیم تشویق نمی کند»^۳ و در آخرین مرحله می افزاید: « و دیگران را از ضروریات زندگی منع می کند»^۴ « و یمنعون الماعون »

ماعون از ماده مَعَن (بر وزن شَأْن) به معنی چیز کمی است، بسیاری از مفسران معتقدند که منظور از آن

۱ - سایت حوزه

۲ - فذلک الذی یدع الیتیم، (سوره ماعون، آیه ۲)

۳ - و لا یحضُّ علی طعام المسکین، (سوره ماعون، آیه ۳،)

۴ - سوره ماعون، آیه ۷

در اینجا اشیاء جزئی است که مردم مخصوصاً همسایه ها از یکدیگر به عنوان عاریه یا تملک می گیرند، مانند مقداری نمک، آب، کبریت، ظروف و مانند این ها.

بدیهی است کسی که از دادن چنین اشیایی به دیگران خودداری می کند، انسان بسیار پست و بی ایمانی است. یعنی آن ها به قدری بخیل اند که حتی از دادن این اشیا کوچک مضایقه دارند، و در حالیکه همین اشیا کوچک گاه نیازهای بزرگی را برطرف می کند و منع آن مشکلات بزرگی در زندگی مردم ایجاد می کند.^۱

با رجوع به روایات معصومین علیهم السلام در می یابیم که ائمه معصومین و پیامبر گرامی اسلام برای همسایه و همسایه داری اهمیت ویژه ای قائل بوده اند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روایتی بسیار زیبا راه زندگی آرام را به مؤمنان نشان می دهند و می فرمایند: « سل عن الجار قبل الدار^۲ » « قبل از خریدن خانه از همسایگان آن سؤال کن » زیرا عیب خانه را می توان با تغییر برطرف کرد ولی همسایه را به راحتی نمی توان اصلاح کرد.

در روایتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم لازمه ایمان به خدا و روز قیامت را نیکی به همسایه می دانند و می فرمایند: « من كان يومئذ بالله و اليوم الآخر فليحسن الي جاره^۳ » کسی که ایمان به خداوند و روز قیامت دارد باید به همسایه اش احسان کند.

در روایت دیگری رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: « حرمة الجار علی

^۱ - تفسیر نمونه ج ۲ ص ۳۶۱

^۲ - میزان الحکمه ج ۲ ص ۶۴۳

^۳ - رساله حقوق ص ۳۹۱

الانسان كحر مه أمّه^۱ « حرمت همسایه برای انسان هم سنگ حرمت مادر است.

معمولاً افراد در هنگام مرگ امور مهم و وصیت های اساسی را به نزدیکان خود می گویند ،

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در آخر عمر شریفشان در کنار توصیه کردن فرزندان و شیعیان به امور

مختلف از جمله قرآن و نماز و زکات و روزه ماه رمضان و یکی از وصیت هایشان نسبت به همسایگان

است و می فرمایند: الله الله فی جيرانکم، فان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) أوصی بهم، مازال

یوحی بهم حتی ظننا انه سیورثهم^۲

خدا را، خدا را، درباره همسایگانتان، زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره شان سفارش کرده

و پیوسته سفارش می کرد تا اینکه گمان کردیم که آن ها را وارث قرار می دهد.

اهمیت همسایه به اندازه ای زیاد است که رسول گرامی اسلام می فرماید: «یمن المسکن سِعْتُهُ و حسن

جوار اهله^۳» از علائم میمون و مبارک بودن منزل، یکی وسعت منزل است و دیگری خوب بودن

همسایگان آن.

^۱ - میزان الحکمه ج ۲ ص ۶۴۲

^۲ - تحف العقول ص ۱۹۵

^۳ - سایت حوزه

فصل چهارم :

همسایه داری در شیوه

معصومین (علیهم السلام) و بزرگان دین

شیوه معصومین و بزرگان دین در برخورد با همسایه

هر انسانی در زندگی خود، به طور فطری نیازمند الگو و راهنما است که او را در راه رسیدن به اهدافش راهنمایی کند؛ کسی که از تجربه و آگاهی بیشتری برخوردار باشد و بتواند در نشان دادن راه او را یاری دهد.

حال سوال این است که باید از چه کسانی پیروی کرد؟ آیا الگوهای جامع و کاملی وجود دارند که انسان بتواند به آنها اقتدا کند؟

خداوند در قرآن مجید با مورد خطاب قرار دادن مؤمنان راستین این نکته مهم را متذکر می شوند و می فرمایند: « برای شما در زندگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و عملکرد او سرمشق نیکویی بود، برای آن ها که امید به رحمت خداوند و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند. ^۱ »

طبق این آیه شریفه بهترین الگو برای مسلمین، پیامبر گرامی اسلام می باشد و به تبع سایر معصومین و بزرگان دین نیز چون ادامه دهنده راه ایشان هستند نیز می توانند الگوهای مناسبی برای انسان ها باشند؛ زیرا این ناخدایان بزرگ، به هنگامی که کشتی زندگی گرفتار طوفان ها می شود کمترین ضعف و سستی و دستپاچگی به خود راه نمی دهند؛ ایشان هم چراغ هدایتند و هم مایه آرامش روح و جان.

حال که آن ها چنین چراغ های هدایتند و می توانند مسیر زندگی ما را روشن کنند باید در تمام امور

^۱ - لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنه لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیراً (سوره احزاب، آیه ۲۱)

زندگی با سیره آن‌ها آشنا شویم که آشنایی مقدمه عمل است

در این بخش به برخورد پیامبر و برخی از معصومین و اولیای الهی با همسایگان آشنا می‌شویم، تا شاید ما هم بتوانیم پا در جا پای آن‌ها بگذاریم و آن‌ها را اسوه و الگوی خود در همه زندگی مخصوصاً در برخورد با همسایگان قرار دهیم.

۱- شیوه رسول خدا در برخورد با همسایگان

هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مکه به سر می‌بردند، همسایگان بدرفتار، مدام اسباب آزار و اذیت آن وجود با کرامت را فراهم می‌نمودند.

با بعثت رسول گرامی اسلام و پایداری آن حضرت و پیوستن روز افزون مردم به او، اشراف مکه که در همسایگی آن حضرت اقامت داشتند، به وحشت افتادند؛ ابوجهل که در زمره همسایگان بدرفتار پیامبر بود خطاب به مخالفان گفت: «به نظر من، این سر و دست شکستن همسایه دیگر فایده ندارد. ما باید او را چنان اذیت کنیم که خسته شده و همسایگی ما را ترک گوید.» آنان گفتند: «چه کنیم؟» ابوجهل گفت: «وقتی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از کوچه عبور می‌کرد از بالای پشت بام بر سرش خاکستر می‌ریزیم.» مجری این طرح فردی به نام عامر از افراد شرور محله بود؛ او یک روز که پیامبر گرامی اسلام از کوچه عبور می‌کرد، طشتی از خاکستر بر سر آن حضرت ریخت و در این حال دشمنان پیامبر خندیدند و فریاد زدند و اشعار بدی خواندند؛ و منتظر عکس العمل پیامبر گردیدند، ولی با شگفتی مشاهده کردند که آن حضرت به آرامی خاکسترها را از خود دور نمود و ضمن پاک کردن جامه خویش با مهربانی به مردم نگریست؛ روزهای بعد نیز این عمل تکرار شد و هر بار آنان با بردباری و شکیبایی و مهربانی

پیامبر مواجه شدند، تا اینکه روزی پیامبر از کوچه عبور می کردند که مشاهده نمودند چیزی بر سرشان ریخته نشد. از جوانی پرسیدند: « این مردی که هر روز بر سرم خاکستر می ریخت کجاست؟! » او جواب داد: « اگر منظورتان عامر است، او اکنون در بستر بیماری به سر می برد. » پیامبر به عیادت وی رفت و از حالش جويا شد و برای شفایش دعا کرد.

بار سنگین خجالت و شرمساری بیش از بیماری، عامر را اذیت می کرد، ولی حال تازه ای به او دست داد و احساس کرد نسبت به همسایه اش کینه ای ندارد و به او علاقه مند گردیده است و در حالیکه به شدت گریه می کرد و ابوجهل را به عنوان محرک رفتار بد خود معرفی می کرد، لحاف را از روی خود کنار زد و خطاب به پیامبر عرض کرد: می خواهم مسلمان شوم، آیا لیاقت آن را دارم. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با مهربانی فرمودند: « آری ».

در این حال همسایه ای که به بهترین انسان روی زمین اذیت و آزار می رساند اسلام آورد و عهد کرد در کنار پیامبر باشد و با دشمنان اسلام و قرآن مبارزه کند.^۱

ام جمیل زن ابولهب بوته های خار را از بیابان جمع می کرد و بر سر راه پیامبر می ریخت و به شوهرش می گفت: « ما برای کسب رضایت تو این همسایه را آزار می دهیم ». در این میان آنان صدای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را می شنیدند که آهسته می فرمود: « آیا همسایگان باید اینگونه رفتار کنند؟! »^۲

^۱ - سفینه البحار ج ۱ ص ۵۱

^۲ - سایت حوزه

۲- الجار ثم الدار

امام مجتبی علیه السلام می فرماید: « در دوران کودکی شبی بیدار ماندم و به نظاره مادرم زهرا(سلام الله علیها) در حالیکه مشغول نماز شب بود گذراندم، پس از آن که نمازش به پایان رسید، متوجه شدم که در دعایش یکی یکی مسلمین را نام می برد و آن ها را دعا می کند، خواستم بدانم که در مورد خودش چگونه دعا می کند اما با کمال تعجب دیدم که برای خود دعا نکرد.

فردا از او سؤال کردم: « برای چه برای همه دعا کردی اما برای خود دعا نکردی؟! » فرمود: « یا بُنَّیَّ الجار ثم الدار » پسر من! اول همسایه بعد خانه.

۳- سیره امام سجاد (علیه السلام) در برخورد با همسایه

اسماعیل ابن هشام مخزومی - والی مدینه - در اذیت و آزار امام سجاد (علیه السلام) بسیار مصر بود. این فرماندار که از سوی امویان برای این چنین ستمی برگزیده شده بود در همسایگی امام سجاد علیه السلام سکونت داشت؛ که حق همسایگی را نادیده گرفته بود، به گونه ای که تمامی اهل محل از رفتارهای منفی او به ستوه آمده بودند؛ زمانی که ولید بن عبدالملک روی کار آمد، به دلیل اختلافی که قبل از رسیدن به قدرت با فرزند هشام داشت او را از ولایت مدینه بر کنار کرد و در سخنانی به مذمت وی پرداخت و به مردم اعلام کرد: « هر کس حقی دارد از او باز پس گیرد، حتی دستور داد او را در ملأ عام نگاه دارند تا همسایگان به تلافی اذیت هایی که از این فرماندار دیده بودند، او را آزار دهند، ابن هشام پیش از همه کس از امام زین العابدین (علیه السلام) به دلیل عداوتی که با آن حضرت داشت

نگران بود و می گفت: « من از هیچکس جز علی بن الحسین نمی ترسم زیرا او مرد صالحی است و خلیفه حرف او را در مورد خلاف های من می پذیرد.»

اما هنگامی که ابن هشام در پشت دیوار کاخ مروان قرار گرفت، امام چهارم همراه گروهی از اصحاب و یارانش بر او گذشت، اما نه خود متعرض اسماعیل بن هشام گردید و نه اجازه داد یارانش به او اعتراض کنند. حتی دستور داد، کسی حق ندارد کلمه ای خشن و تند نسبت به فرماندار برکنار شده بر زبان جاری سازد. امام با او ملاقات نمود و با سیمایی گشاده با وی روبرو شد و به او فرمود: « خدا تو را عافیت دهد، من از آنچه برایت روی داده ناراحتم، آنچه دوست داری از ما بخواه.»

اسماعیل ابن هشام از مشاهده این همه کرامت و محبت پریشان گردید و بسیار خجالت کشید و با حیرت عرض کرد: « الله اعلم حیث یجعل رسالتَهُ » خداوند بهتر می داند که رسالت خود را در کجا قرار دهد^۱.

۴- روش بزرگان

الف) مجرم شناخته شدن بخاطر همسایه

یکی از شاگردان شیخ رجبعلی خیاط می گوید: از ایشان شنیدم که فرمود: شبی در عالم رؤیا دیدم مجرم شناخته شده ام و مأمورانی آمدند تا مرا به زندان ببرند، صبح آن روز ناراحت بودم که سبب این رؤیا چیست؟ با عنایت خداوند متوجه شدم که موضوع رؤیا به همسایه ارتباط دارد. از اهل بیت

خواستم تا جستجو کند و خبری بیاورد.

^۱ - پایگاه حوزه

همسایه شغلش بنایی بود، معلوم بود که چند روز کار پیدا نکرده و شب گذشته، او و همسرش گرسنه خوابیده اند به من فرمودند: وای بر تو! تو شب سیر باشی و همسایه ات گرسنه؟! در آن هنگام من سه عباسی پول نقد داشتم، فوراً از بقال سر محل یک عباسی قرض کردم و با عذرخواهی به همسایه دادم و تقاضا کردم که هر وقت بیکار بود و پول نداشت مرا مطلع کند.^۱

ب) از خود گذشتگی برای همسایه

یکی از فرزندان جناب شیخ رجبعلی خیاط نقل می کند: پدرم یک شب مرا از خواب بیدار کرد و دو گونی برنج از منزل برداشتیم و یکی را من حمل کردم و دیگری را خودش، بردیم در خانه ی پولدارترین فرد محل خودمان. ضمن تحویل آن ها به صاحب خانه، گفت: « داداش! یادت هست انگلیس ها مردم رو بردند در سفارتخانه خود و به آن ها برنج دادند و در عوض هر یک دانه ی آن، یک خروار گرفتند و باز آنها را رها نمی کنند؟! »

با این شوخی برنج ها را تحویل او دادیم و برگشتیم؛ صبح آن روز مرا صدا زد و گفت: « محمود! یک چارک برنج نیم دانه بگیر و دو ریال هم روغن انبه، بده مادرت تا برای ظهر دم پخت درست کند. » در آن هنگام، این گونه حرکات پدر برای من سنگین بود که چرا آنچه برنج در منزل هست را به پولدارترین فرد محل می دهد در حالیکه برای ناهار ظهر باید برنج نیم دانه بخریم؟! »

^۱ - کیمیای محبت ص ۹۱

بعد فهمیدم این بنده خدا، ورشکسته شده و روز جمعه مهمانی مفصلی در خانه داشت.^۱

ج) اگر با خبر بودی و اقدام نمی کردی مسلمان نبودی

سید جواد عاملی، فقیه معروف، صاحب کتاب مفتاح الکرامه، می گوید: شب مشغول صرف شام

بود که صدای در را شنید، وقتی فهمید پیش خدمت استادش، سید بحرالعلوم دم در است با عجله به

طرف در دوید؛ پیش خدمت گفت:

«استاد، شما را الان احضار کرده است و شام جلوی ایشان حاضر است اما دست به سفره نخواهد برد تا

شما بروید»

جای معطلی نبود. سید جواد بدون آنکه غذا را به آخر برساند، با شتاب تمام به خانه ی سید بحرالعلوم

رفت تا چشم سید به سید جواد افتاد، با خشم و تغییری بی سابقه گفت:

«سید جواد! از خدا نمی ترسی؟! از خدا شرم نمی کنی؟!»

سید جواد غرق حیرت شد که چه شده و چه حادثه ای رخ داده است؟! تا کنون سابقه نداشته این چنین

مورد عتاب قرار بگیرد. هر چه به مغز خود فشار آورد تا علت را بفهمد ممکن نشد. ناچاراً از استاد پرسید:

«ممکن است حضرت استاد، بفرمائید تقصیر اینجانب چه بوده است؟!»

- «هفت شبانه روز است که فلان شخص، همسایه ات و عائله اش گندم و برنج گیرشان نیامده و در

این مدت از بقال سر کوچه خرمای زاهدی، نسبه کرده و با آن به سر برده اند، امروز که رفته است تا باز

^۱ - کیمیای محبت ص ۹۵

خرما بگیرد، قبل از آن که اظهار کند، بقال گفته: نسیه شما زیاد شده است» او هم خجالت کشیده

تقاضای نسیه نماید، دست خالی به خانه برگشته است و امشب خودش و عائله اش بی شام مانده اند.

- به خدا قسم من از این جریان بی خبر بودم، اگر می دانستم به احوالشان رسیدگی می کردم.

- همه داد و فریاد من این است که تو چرا از احوال همسایه ات بی خبرمانده ای؟! اگر با خبر بودی و

اقدام نمی کردی که اصلاً مسلمان نبودی، یهودی بودی.

- می فرمائید چه کنم؟!

- پیش خدمت من ابن مَجْمَعَه غذا را بر می دارد، همراه هم تا در منزل او بروید، دم در پیش خدمت

برگردد و تو در بزن و از او خواهش کن که امشب با هم شام بخورید، این پول را هم بگیر و زیر فرش

خانه اش بگذار و از اینکه درباره ی او که همسایه ی توست کوتاهی کرده ای، معذرت بخواه. سینی را

همانجا بگذار و برگرد من اینجا نشسته ام و شام نخواهم خورد تا تو برگردی و خبر آن مرد مؤمن را برای

من بیاوری.

پیش خدمت سینی بزرگ غذا را برداشت و همراه سید جواد روانه شد، دم در پیش خدمت برگشت و سید

جواد بعد از کسب اجازه وارد شد. صاحبخانه پس از استماع معذرت خواهی سید جواد و خواهش او دست

به سفره برد و لقمه ای خورد و غذا را مطبوع یافت، حس کرد که این غذا دست پخت خانه سید جواد که

عرب بود نیست، فوری از غذا دست کشید و گفت:

« این غذا دست پخت عرب نیست بنابراین از خانه شما نیامده تا نگویی این غذا از کجاست من دست

دراز نخواهم کرد.»

آن مرد خوب حدس زده بود، سید جواد هرچه اصرار کرد که تو غذا بخور چه کار داری که این غذا در خانه چه کسی ترتیب داده شده، آن مرد قبول نکرد، سید جواد چاره ای ندید و ماجرا را از اول تا آخر نقل کرد. آن مرد بعد از شنیدن ماجرا غذا را تناول کرد اما سخت در شگفت بود و می گفت « من راز خودم را به احدی نگفته ام و از نزدیکترین همسایگانم پنهان داشته ام، نمی دانم سید از کجا مطلع شده؟! »^۱

^۱ - شهید مطهری، داستان راستان ص ۶۲

فصل پنجم :

آثار همسایه داری

نیکو و بی توجهی

به همسایگان

آثار همسایه داری نیکو و بی توجهی به همسایگان

خداوند متعال به وسیله پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام) طریق رشد و تعالی را به انسانها آموخته است و راه راز بی راه برای انسانها مشخص نموده است و سر انجام نیکی و نیکان و بدی و بدان رادر روایات متعددی بیان فرموده است و برای هر اطاعتی اجر و پاداش و برای هر عمل زشتی زجر و کیفری مقرر فرموده است و خاطر نشان فرموده است که: هر کس هر عملی هر چند اگر به اندازه یک مثقال باشد، نتیجه آن را می بیند^۱. اعمال انسان علاوه بر پاداش و عذاب اخروی، اثر وضعی دنیوی نیز دارد. همسایه داری نیک و بد هم، از این قاعده کلی مستثنی نیست و اثرات خاص خودش را دارد که به برخی از آنها در روایات م عصومین اشاره شده است که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم.

آثار نیکی به همسایه

۱- آمرزش گناهان

قال رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم): من مات وله جيران ثلاثه کلهم راضون عنه غفر له ؛ هر کس بمیرد در حالی که سه همسایه داشته باشد که همه از او راضی باشند آمرزیده می شود^۲.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هر کس که آزارش به همسایه نرسد، خداوند از گناهان او در

۱. فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره ومن يعمل مثقال ذره شرا یره؛ سوره زلزال
 ۲. سایت حوزه

قیامت می گذرد^۱.

۲- شمول رحمت الهی

رسول گرامی اسلام می فرمایند: خداوند همسایه ای را که به همسایه اش نیکی کند رحمت کند^۲.

۳- تکمیل ایمان

قال رسول الله (صلى الله عليه واله وسلم): احسن مجاوره من جاورک تکن مسلما؛ همسایه خوبی برای

مجاورت باش، تا مسلمان باشی.

۴- زیاد شدن روزی : قال الصادق (عليه السلام): حسن الجوار يزيد في الرزق ؛ همسایه داری نیکو

روزی را زیاد می کند^۳.

۵- آباد شدن شهرها :

قال الصادق (عليه السلام): حسن الجوار يعمر الديار ؛ همسایه داری نیکو شهرها را آباد می کند^۴.

۶- زیاد شدن عمرها

قال الصادق (عليه السلام): حسن الجوار يزيد في الاعمار ؛ همسایه داری نیکو عمرها را زیاد می کند

۷- آرامش فکر و روح و...

^۳ .سایت حوزه

^۱ .سایت حوزه

^۲ -محمدری شهری، میزان الحکمه ج ۲ ص ۴۶۲

^۳ - محمدری شهری، میزان الحکمه ج ۲ ص ۴۶۲

آثار بی توجهی به همسایه

۱- مانع نزول باران :

امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: از جمله گناهانی که مانع نزول باران می شود ترک کمک به همسایه است.^۱

۲- آتش دوزخ در انتظار اوست:

امام سجاد (علیه السلام) می فرماید اگر کسی بیش از احتیاجات خود، پوشاک داشته باشد و بداند کسانی در همسایگی او هستند که به آن نیاز دارند واز دادن به آنان خوداری می کند ، خداوند او را در آتش دوزخ خواهد افکند.^۲

قال رسول الله (صلى الله عليه واله وسلم): من خان جاره شبرا من الارض جعلها الله طوقا في عنقه من تخوم الارضين السابعة يلقى الله يوم القيامة مطوقا الا أن يتوب و يرجع^۳؛ هر کس که به اندازه یک وجب به همسایه اش خیانت کند ، خداون آن یک وجب را از پوسته زمین حلقه گردن او کند و به این صورت خدا را در روز قیامت ملاقات می کند، مگر این که توبه کند واز آزار همسایه بر گردد.

^۱ . سایت حوزه

^۲ . سایت حوزه

^۳ . بحار الانوار ج ۷۴ ص ۱۵۰

به رسول خدا عرض شد: فلان زن روزها را روزه می‌گیرد و شب‌ها را به نماز می‌ایستد و صدقه می‌دهد ولی همسایه خود را با زبانش آزار می‌دهد. حضرت فرمود: لا خیر فیها هی من اهل النار؛ خیری در او نیست او اهل دوزخ است.^۱

۳- بی‌ایمانی:

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: از پدرم شنیدم و ایشان از آباء گرام خود از امیر المومنین نقل کردند که آن جناب از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) شنید که فرمود: کسی که با حالت سیری سر بالین نهد، در حالی که همسایه اش با گرسنگی در بستر قرار بگیرد ایمان ندارد.^۲

روزی شخصی نزد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) آمد و عرض کرد: یا رسول الله من در فلان جا خانه ای خریده ام و نزدیکترین همسایه این منزل کسی است که خیری از او توقع ندارم ولی از آزار و اذیت او در امان نیستم. پیامبر خدا به علی (علیه السلام) و ابوذر فرمود بروید به مسجد و با صدای بلند اعلام کنید: کسی که همسایه اش را آزار دهد ایمان ندارد.^۳

۴- بهشت بر او حرام است:

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) من أذی جاره حرم الله علیه ریح الجنة و مأواه جهنم وبئس المصیر؛ هر کس همسایه خود را بی‌آزارد خداوند بوی بهشت را بر او حرام می‌گرداند و جایگاه چنین کسی جهنم است و بد جایی است.^۴

^۱ . سایت حوزه

^۲ . سایت حوزه

^۳ . مهدی نراقی، رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) ص ۳۹۶

^۴ . مهدی نراقی، رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) ص ۳۹۶

۵- خداون بر او نگاه نمی کند :

قال رسول الله (صلى الله عليه واله وسلم): ائتان لا ينظران الله الى هم يوم القيامة ، قاطع الرحم و جار
السوء ؛ خداوند سبحان در روز قیامت به دو گروه نظر رحمت نمی کند ، قطع رحم کننده و کسانی که
موجب اذیت و آزار همسایه را فراهم می کنند^۱ .

بی توجهی به همسایه دلیل گرفتاری یوسف (علیه السلام)

از عادات پسندیده حضرت یعقوب نبی (علیه السلام) آن بود که هر شب گوسفندی را در خانه اش
ذبح می کرد و فرزندان و اهل خانه ملزم بودند حداقل نیمی از آن را برای فقیران ، بخصوص همسایگان
مستمند ببرند .

در شب جمعه ای ، وقتی نصف گوسفند ذبح شده را انفاق نمودند و باقی را مصرف کردند ، مرد فقیری که
در همسایگی آن بیت سکونت داشت و نامش «ذمیال» بود ، مقارن افطار با زبان روزه در خانه یعقوب
آمد و اظهار داشت : «روزه دارم از غذای خود مقداری به من بدهید» . و چندین بار این تقاضا را تکرار کرد
، اهل خانه صدایش را شنیدند ولی با بی اعتنایی از آن گذشتند و یا این که در تاریکی تشخیص ندادند که
او همان همسایه نیازمند و صائم است ، در واقع به ادعای او شک کردند ، آن مرد با ایمان با حال ناامیدی
از در خانه یعقوب رفت ، در حالی که ذکر خداوند و حمد الهی بر زبانش بود ، با حال گرسنگی و بدون
افطار خوابید ، روز بعد را نیز روزه گرفت و با متانت^۲ گرسنگی را تحمل نمود و آن روز را بدون خوردن
طعامی سپری کرد .

^۱ بحار الانوار ج ۷۴ ص ۱۵۰
^۲ . سایت حوزه

خداوند متعال به حضرت یعقوب (علیه السلام) وحی نمود: «ای رسول من، به راستی محبوب ترین فرستادگان من، کسی است که بر مستمندی ترحم کند و فقیران را به خود کرده و آنان را اطعام نماید و در هر شرایطی به فکر سیر نمودن آنان باشد. شب گذشته بر بنده ای از عباد من توجه نکردی و با وجود آنکه غذا در خانه ات بود، وی را سیر نمودی، او با زاری به خانه رفت. ای یعقوب! بدان که دوستانم را زودتر از دیگران به بلا و گرفتاری مبتلا می سازم. اینک آماده ابتلا شوید و بر آنچه پیش می آید شکبیا باشید.»

از همان شب مشقت و سختی یوسف آغاز شد.

نتیجه گیری

از مجموع بحث هایی که در مورد همسایه در بخش های مختلف این نوشته کوتاه گذشت فهمیده

می شود که دین مبین اسلام به ارتباطات بین انسانها ، به ویژه به رابطه نیکوی ، بین همسایگان

اهمیت زیادی قائل شده است و به آنها توصیه کرده است که از هم دیگر غافل نباشند ، اگر همسایه ای

از دیگری کمکی خواست در حد توان او را یاری کند ، اگر قرضی از او خواست کوتاهی نکند ، از او تفقد

ودلجویی کند و بالاخره اینکه در شادی ها و غمها در کنار او باشد ؛ زیرا همسایه است که همیشه در سایه

همسایه ی خود قرار دارد و اگر چه شخصی دارای فامیل های زیاد باشد آنها همیشه در کنار او نیستند

بلکه تنها کسی که دائما در کنار انسان و در دسترس اوست همسایه است از همین روست که پیامبر در

حدیثی فرمود : کسی که شب را سیر بخوابد در حالی که همسایه ی او گرسنه باشد به من ایمان نیاورده

است .

علاو بر این ها ، احسان و نیکی به همسایه اثرات خوب زیادی ، از جمله شامل شدن رحمت الهی ، آبادانی

شهرها ، طول عمر و... را در بر دارد .

بنابر این ، هر انسان اگر در پی راحتی روح و روان در این دنیا و آسایش در آخرت باشد ناگزیر باید با

همسایگان خود که حد آن را چهل خانه بیان کردیم ، نیکو برخورد کند و حقوق آنها را رعایت کند .

و السلام

منابع و ماخذ

- ۱- آموزگار جاوید ، صادق لاریجانی ، مرصاد ، ۱۳۷۷
- ۲- بحار الانوار ج ۷۴ ، علامه مجلسی ، المكتبه الاسلامیه ، ۱۳۷۲
- ۳- پند تاریخ ج ۲ ، موسی خسروی ، اسلامیه ، ۱۳۵۸
- ۴- تحف العقول ، ابی محمد حسن بن علی بن الحسین ، کتابچی ، ۱۳۷۸
- ۵- تفسیر ، ناصر مکارم شیرازی نمونه ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۷۵
- ۶- حکایت ها و هدایت ها ، محمد جواد صاحبی ، دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۶
- ۷- داستان راستان ، مرتضی مطهری ، ۱۳۸۴
- ۸- دیار عاشقان ج ۶ ، حسین انصاریان ، پیام آزادی ، ۱۳۷۸
- ۹- رساله حقوق امام سجاد ، علی محمد حیدری نراقی ، مهدی نراقی ، ۱۳۸۵
- ۱۰- سفینه البحار ج ۱ ، شیخ عباس قمی ، فراهانی ، ۱۳۷۵
- ۱۱- صحیفه کامله سجادیه ، مترجم محسن غرویانی ، الهادی ، ۱۳۸۵
- ۱۲- قصص توابین ، علی میر خلف زاده ، مهدی یار ، ۱۳۷۸
- ۱۳- کیمیای محبت ، محمد ری شهری ، دار الحدیث ، ۱۳۷۸
- ۱۴- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۸ ، میرزا حسین نوری ، موسسه آل البيت ۱۴۰۷ هـ
- ۱۵- میزان الحکمه ج ۲ ، محمد ری شهری ، دارالحدیث ، ۲۲هـ
- ۱۶- ۱۰۰۱ داستان از زندگی امام علی علیه السلام ، محمد رضا رمزی اوحدی ، سعید نوین ، ۱۳۷۹
- ۱۷- هزار و یک نکته اخلاقی ، محمد حسین محمدی ، صالحان ، ۱۳۸۶